

THE JOURNAL OF Linguistic and Rhetorical studies

Volume 15, Consecutive Number 32, Summer 2023

Issn:2717-090x

Journal Homepage: <https://rhetorical.semnan.ac.ir/?lang=en>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



## Representation of Women in South Taleshi Proverbs, Idioms and Expressions (Siyahmazgi Variety)

Soqrat.Seyyedh Safoura<sup>1\*</sup>-Shabani.Mansoor<sup>2</sup>-Karbalaei Sadegh.Mahnaz<sup>3</sup>

1: Master's student in General Linguistics, Guilan University, Rasht, Iran: Corresponding Author ([safoura.soqrat@yahoo.com](mailto:safoura.soqrat@yahoo.com))

2: Associate Professor of General Linguistics, Guilan University, Rasht, Iran.

Proverbs are among the valuable components of folklore and oral literature of any culture, revealing plenty of cultural and historical facts. In the present study, we intend to deal with the representation of women in South Taleshi (Siyahmazgi variety) proverbs, idioms and expressions. The design of this descriptive-analytical research is a mixed methods study with field data collection through semi-structured interview with native speakers. The collected proverbs, idioms and expressions were determined in terms of meaning, concept and theme and classified in 19 semantic categories. These data were analysed in the framework of Lazar (2007) feminist critical discourse analysis. One of the important results is that, according to the significance level of One-sample Colmogorov-Smirnov Test, there is a significant difference between the types of women representations. The results show that, in the society in question, gender is perceived as an ideological structure; based on hierarchical relations of domination and subordination, women are in the subordinated class and are considered of little value. They are also portrayed as dominated, weak, evil, and greedy.

**Keywords:** proverb, Taleshi, feminist critical discourse analysis, ideology, gender.

- S.S Soqrat, M. Shabani, (2023). Representation of Women in South Taleshi Proverbs, Idioms and Expressions (Siyahmazgi Variety), *THE JOURNAL OF Linguistic and Rhetorical studies* 15(32), 135-164.

[Doi: 10.22075/jlrs.2022.26481.2064](https://doi.org/10.22075/jlrs.2022.26481.2064)



مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی

سال ۱۴ - شماره ۳۲ - تابستان ۱۴۰۲

صفحات ۱۳۵ - ۱۶۴ (علمی - پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۰/۱۲/۱۱ - بازنگری ۱۴۰۱/۰۷/۱۸ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۳۰

## بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات و تعبيرات تالشی جنوبی (گونه سیاهمزگی)

سیده صفورا سقراط<sup>۱\*</sup> / منصور شعبانی<sup>۲</sup>

۱: دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. (نویسنده مسئول)

[safoura.soqrat@yahoo.com](mailto:safoura.soqrat@yahoo.com)

۲: دانشیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

**چکیده:** ضرب‌المثل‌ها از ارکان ارزشمند فرهنگ عامیانه و ادبیات شفاهی هر فرهنگی به شمار می‌روند که حقایق فرهنگی و تاریخی بسیاری را آشکار می‌سازند. در پژوهش حاضر، قصد داریم به شیوه بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات و تعبيرات تالشی جنوبی (گونه سیاهمزگی) بپردازیم. طرح پژوهش حاضر، ترکیبی (کمی کیفی) و از نوع توصیفی-تحلیلی است. گردآوری داده‌ها به صورت میدانی انجام گرفت و داده‌های میدانی از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته از گویشوران بومی جمع‌آوری شد. ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات و تعبيرات گردآوری شده، از لحاظ معنا، مفهوم و مضمون، مشخص شده و در نوزده مقوله معنایی دسته‌بندی گردیدند. این ضرب‌المثل‌ها در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی فمینیستی لازار (۲۰۰۷) تحلیل شدند. از جمله نتایج مهم به دست آمده این است که میان انواع بازنمایی‌های زنان بر اساس سطح معناداری آزمون کولموگروف اسمیرنوف یک نمونه‌ای، تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج حاکی از آن است که در جامعه مدّ نظر، جنسیت به عنوان ساختاری ایدئولوژیک درک می‌شود و زنان در آن، بر اساس رابطه فرادستی و فرودستی، در طبقه فرودست قرار گرفته و از ارزش چندانی برخوردار نیستند. همچنین زنان در این پژوهش به عنوان افرادی سلطه‌پذیر، ضعیف، شرور و حيله‌گر ترسیم شده‌اند.

**کلیدواژه:** ضرب‌المثل، تالشی، تحلیل گفتمان انتقادی فمینیستی، ایدئولوژی، جنسیت.

- سقراط، سیده صفورا؛ شعبانی، منصور (۱۴۰۲). بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات و تعبيرات تالشی جنوبی (گونه سیاهمزگی). مجله مطالعات زبانی و بلاغی دانشگاه سمنان، شماره ۳۲، صفحات ۱۳۵-۱۶۴.

Doi: [10.22075/jlrs.2022.26481.2064](https://doi.org/10.22075/jlrs.2022.26481.2064)

## ۱. مقدمه

زبان، بازتاب‌دهنده الگوهای اندیشه و ویژگی‌های ذهن انسان است؛ بنابراین، ماهیت و شکل افکار و اندیشه‌های هر شخص، با دقت و بررسی در زبان او به دست خواهد آمد (رضایی و مقیمی، ۱۳۹۴). ضرب‌المثل‌ها از ارکان ارزشمند فرهنگ عامیانه و ادبیات شفاهی هر فرهنگی به شمار می‌روند و به شناخت دیدگاه‌های حاکم بر ادبیات شفاهی جامعه کمک می‌کنند.

ضرب‌المثل را این‌گونه می‌توان تعریف کرد: سخنان برجسته، روشن، پندآمیز و مستقل که در زبان مردم رایج است. ضرب‌المثل‌ها میراثی از آداب و رسوم، باورها و عملکردهای هر نسل‌اند که به نسل‌های بعد منتقل می‌شوند (کرشین<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲: ۱۳). این نوع از ادبیات شفاهی، بیانگر مفاهیم عامیانه و خرد جمعی است. بسیاری از آن‌ها بازتاب علایق و آرمان‌های انسان و معمولاً بیشتر آن‌ها در جوامع مختلف، مبین ماهیت بشرند (اناجی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸). ضرب‌المثل‌های هر قوم، بیانگر هویت و شرایط اجتماعی فرهنگی آن است؛ زیرا آن‌ها متأثر از واقعیت‌های اجتماعی هستند که در طول تاریخ شکل گرفته‌اند. به بیان دیگر، در عین حال که خود، یکی از عناصر خاص فرهنگ عامیانه هستند، قسمت دیگری از فرهنگ عامه را که همان داستان یا قصه کوتاه است، به همراه می‌آورند (میهن‌دوست، ۱۳۸۰: ۱۶). «اصطلاح» به گروهی از واژه‌ها گفته می‌شود که مجموعاً و متفقاً دارای درک و معنایی استثنایی و ویژه‌اند و مفهوم آن‌ها را نمی‌توان از معنای تک‌تک لغات تشکیل‌دهنده آن‌ها حدس زد. در تعریف «تعبیر» نیز می‌توان گفت به کلمه یا گروهی از کلمات اطلاق می‌شود که دارای معنای خاصی باشند.

گونه زبانی تالشی در امتداد کرانه‌های دریای خزر، در منتهی‌الیه جنوب شرقی جمهوری آذربایجان رواج دارد. از جمله گویش‌های این گونه زبانی می‌توان به ماسالی، لریک، لنگران و آستارا اشاره کرد. گونه زبانی تالشی در شرق استان آذربایجان و در

1. Kerschen

2. Ennaji

بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات تالشی جنوبی (گونه سیاهمزیگی) - ۱۳۷

غرب گیلان رایج است و گویش‌های وزنه، تولارود، اسالم، پره‌سر، شاندرمن، ماسال و ماسوله زیده را شامل می‌شود (اشمیت<sup>۱</sup>، ۱۳۸۳: ۴۸۹). تالشی در جمهوری آذربایجان، در دشت لنکران و مناطق کوهستانی غرب آن رواج دارد. خارج از مرزهای اتحاد شوروی، تالشی در مناطقی در شمال غربی ایران، در ساحل دریای خزر و در مرز ایران و شوروی نیز رایج است (آرانسکی<sup>۲</sup>، ۱۳۷۸: ۱۳۹). از لهجه‌های زبان تالشی می‌توان به ماسوله‌ای، شفتی، ماسالی، خوشابری، ریکی، کرگان‌رودی، لوندویلی، عنبرانی، لنکرانی و پره‌سری اشاره کرد. طبق تقسیم‌بندی بازین<sup>۳</sup> (۱۹۸۰) می‌توان سه گویش منطقه‌ای را از قبیل تالشی شمالی، تالشی مرکزی و تالشی جنوبی نام برد. تالشی شمالی در آذربایجان تا کرگان‌رود تالش پیش رفته است. تالشی مرکزی در قلمرو دو رودخانه شفارود در جنوب و ناورود در شمال، ادامه داشته و تالشی جنوبی مربوط به میان شفارود تا سفیدرود است که شامل تالشی خوشابری، ماسالی، ماسوله‌ای، سیاهمزیگی و دیگر گویش‌های جلگه‌ای گیلان می‌شود (رضایتی، ۱۳۸۶: ۱۸).

زبان تالشی از جمله زبان‌هایی است که خلأهای مطالعاتی بسیاری در آن به چشم می‌خورد. یکی از آن‌ها پژوهش در حوزه ضرب‌المثل‌های جنسیتی است. منظور از ضرب‌المثل جنسیتی، ضرب‌المثل‌هایی هستند که سوگیری جنسیتی دارند و تصویری منفی یا مثبت از جنس زن یا مرد نشان می‌دهند و موجب ایجاد برتری یک جنس بر جنس دیگر می‌شوند. در پژوهش حاضر، ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات جنسیتی مربوط به زنان در جامعه تالشی زبان منطقه سیاهمزیگی (از توابع شهرستان شفت) بررسی شده است. متغیر جنسیت، از جمله عوامل شکل‌دهنده هویت به شمار می‌رود؛ از این رو، یکی از موضوعات مهم در جامعه‌شناسی زبان، رابطه میان زبان و جنسیت یا زبان‌شناسی جنسیت است. با مطالعه بازنمایی زنان در حوزه ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات، به عنوان یکی از ارکان ادبیات شفاهی زبان، می‌توان به توصیف و درک دقیق‌تری از جنبه خاصی

- 
1. Schmitt
  2. Oranskij
  3. Bazin

از این زبان دست یافت. همچنین مطالعه و پژوهش در این باره به جامعه‌شناسان این امکان را می‌دهد تا از ارزش و جایگاه زنان در جامعه مذکور و تأثیر آن در شکل‌گیری ارتباط آگاهی یابند.

زبان از سویی، محصول و از سوی دیگر، بخشی مهم از فرهنگ است. با بررسی زبان‌ها در قالب کلی، محقق می‌تواند ماهیت کلی فرهنگ بشری را درک کرده و با بررسی هر زبان، درک عمیقی از آن فرهنگ خاص کسب کند. زبان‌ها شواهد جالب‌توجهی از نحوه ادراک تجربه انسانی به دست داده و فرهنگ‌ها در بیشتر موارد، نحوه تفکر و احساس افراد را شکل می‌دهند (راسخ‌مهند و دیگران، ۱۳۹۷). تحلیل گفتمان انتقادی به دلیل موضع سیاسی آشکاری که دارد، به عنوان یک برنامه پژوهشی شناخته شده است و به تحلیل اشکال گوناگون نابرابری و بی‌عدالتی می‌پردازد (لازار، ۲۰۰۷: ۱۴۲). تحلیل گفتمان فمینیستی، گسترش جدیدی در تحلیل گفتمان انتقادی است که به گفته لازار (۲۰۰۵) انگیزه‌های اصلی ظهور آن، پرداختن نظریه‌های تحلیل گفتمان انتقادی به متغیر جنسیت و همچنین نیاز به بازنگری مطالعات انجام‌شده در آن حوزه با وارد کردن این متغیر است. بسیاری از مطالعات تحلیل گفتمان انتقادی که بر بعد جنسیت تأکید دارند، به دلیل نیاز به ایجاد تغییر بنیادین در وضعیت کنونی روابط جنسیتی، ترغیب می‌شوند دیدگاه فمینیستی انتقادآمیزی در خصوص این روابط اتخاذ کنند (همان: ۱۴۳). تحلیل گفتمان انتقادی فمینیستی به عنوان چشم‌اندازی سیاسی به بحث جنسیت، به تشریح روابط میان جنسیت، قدرت و ایدئولوژی در گفتمان می‌پردازد. چارچوب‌های تحلیل گفتمان در تحلیل گفتمان انتقادی، ابعاد چندوجهی را که در دیگر رویکردهای زبان‌شناسی از قلم افتاده‌اند، به رسمیت می‌شناسد. زبان در مطالعات تحلیل گفتمان انتقادی، به‌دقت با دیگر روش‌های نشانه‌شناختی، مانند تصاویر، طرح‌ها، اشارات و اصوات تحلیل می‌شود. نگاه چندوجهی به گفتمان در یک نقد فمینیستی جامع از ساخت‌های گفتمانی، از ارزش زیادی برخوردار است (لازار، ۲۰۰۰).

یکی از اهداف تحلیل گفتمان انتقادی فمینیستی، آشکار کردن فرضیه‌های پذیرفته‌شده در خصوص جنسیت در جامعه است. بسیاری از مطالعات حوزه تحلیل گفتمان درباره رابطه میان

## بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات تالشی جنوبی (گونه سیاهمزیگی) - ۱۳۹

زبان، جنسیت و قدرت (برای مثال: لازار، ۲۰۰۷) ثابت کرده است جنسیت به‌عنوان یک طبقه اجتماعی، با دیگر طبقات هویت اجتماعی، مانند قومیت، سن، توانایی یا ناتوانی، شرایط و طبقه اجتماعی و موقعیت جغرافیایی، ارتباط تنگاتنگی دارد (همان: ۱۴۱). لازار انجام‌نشدن برخی رسوم و اعمال اجتماعی را توسط زنان، خشونت فیزیکی درباره زن، آزار و بدنامی جنسی را نشانه‌های وجود تبعیض در جامعه مطالعه‌شده می‌داند. او وظیفه تحلیلگر گفتمان را کشف این تبعیض‌ها می‌داند که از طریق تحلیل زبانی متن یا گفتار و رسیدن به ایدئولوژی نویسنده یا گوینده، ممکن است (شریفی و دریق‌گفتار، ۱۳۹۵، به‌نقل از لازار، ۲۰۰۷). در واقع، هدف تحلیل گفتمان انتقادی فمینیستی، برقراری رابطه میان زبان، ایدئولوژی، جامعه و جنسیت است. به این ترتیب، در این پژوهش، این رویکرد با استفاده از رابطه میان زبان انتخاب‌شده، واژگان یا ضرب‌المثل‌هایی که به‌منظور توصیف زنان و مردان به کار می‌روند، به بازنمایی جنسیت در جامعه تالشی زبان و ایدئولوژی حاکم بر این جامعه می‌پردازد.

لازار (۲۰۰۷)، هدف تحلیل گفتمان انتقادی فمینیستی را نشان‌دادن روش‌های پیچیده و ماهرانه‌ای در گفتمان می‌داند که گاهی دربردارنده پیش‌فرض‌های ایدئولوژیک جنسیتی و روابط قدرت هستند. چنین انگیزه‌ای فقط در متون و گفتمان‌های دانشگاهی بررسی نمی‌شود؛ بلکه از دیدگاهی سرچشمه می‌گیرد که معتقد است مسائل مربوط به گروه‌های مؤنث و مذکر در جامعه باید بازبینی و حتی اصلاح شوند. وی بر این باور است که برخلاف پژوهش‌های فمینیستی که صرفاً تفاوت‌های دو جنس را توصیف می‌کنند، تحلیل گفتمان انتقادی فمینیستی، تعارض‌های موجود را علت‌یابی و توجیه می‌کند. اتحاد فمینیسم و تحلیل گفتمان انتقادی، یک راهکار سیاسی قوی و فنی معرفی کرده است تا به کمک آن، زمینه‌های ایجاد تغییر در روابط دو جنس و همچنین ایدئولوژی‌های حاکم بر جامعه در رابطه با جنسیت به وجود آید. از طرفی، وی به عمل‌گرایی تحلیلی فمینیستی<sup>۱</sup>، جنسیت به‌مثابه ساختاری ایدئولوژیک<sup>۲</sup>، پیچیدگی روابط

---

1. feminist analytical activism  
2. gender as ideological structure

قدرت و جنسیت<sup>۱</sup>، گفتمان در ساخت یا ساختارشکنی جنسیت<sup>۲</sup> و بازتاب انتقادی به مثابه عمل<sup>۳</sup> تأکید زیادی دارد (همان).

باتوجه به آنچه گفته شد، پرسش‌های زیر در این پژوهش مطرح می‌شود:

۱. زنان در ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات تالشی جنوبی (گونه سیاهمزگی)

چگونه بازنمایی می‌شوند؟

۲. آیا میان انواع بازنمایی‌های زنان در ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات تالشی

جنوبی (گونه سیاهمزگی)، تفاوت معناداری وجود دارد؟

۳. چگونه می‌توان فراوانی انواع بازنمایی‌های مربوط به زنان را در ضرب‌المثل‌ها،

اصطلاحات و تعبیرات تالشی جنوبی (گونه سیاهمزگی)، در چارچوب تحلیل گفتمان

انتقادی فمینیستی لازار (۲۰۰۷) تبیین کرد؟

فرضیه‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. زبان تالشی جنوبی (گونه سیاهمزگی)، زبانی جنسیت‌گراست و بازنمایی زنان در

ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات این گونه زبانی، بیشتر منفی است. آن‌ها بر اساس

رابطه فرادستی و فرودستی، در طبقه فرودست قرار می‌گیرند و از جایگاه و ارزش

چندانی برخوردار نیستند.

۲. میان انواع بازنمایی‌های زنان در ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات تالشی

جنوبی (گونه سیاهمزگی)، تفاوت معناداری وجود ندارد.

۳. تبیین فراوانی انواع بازنمایی‌های مربوط به زنان در ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات و

تعبیرات تالشی جنوبی (گونه سیاهمزگی)، در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی

فمینیستی لازار (۲۰۰۷).

1. complexity of gender & power relations
2. discourse in the (de) construction of gender
3. critical reflexivity as praxis

## ۲. پیشینه پژوهش

باتوجه به موضوع تحقیق حاضر، مطالعات صورت گرفته درباره ضرب‌المثل‌های جنسیتی در زبان‌های ایرانی و غیرایرانی و نتایج به دست آمده از این مطالعات را مرور خواهیم کرد.

از جمله مطالعات خارجی که در رابطه با بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌ها صورت گرفته، می‌توان به زبان گوراژی<sup>۱</sup> (نسران و تیزازو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹)، لوبوکوسو و اگوسی<sup>۳</sup> (ناسامبو<sup>۴</sup>، ۲۰۱۷)، سوندایی<sup>۵</sup> (موبارک<sup>۶</sup>، ۲۰۱۷)، آکانی<sup>۷</sup> (دیاباح و آمفو<sup>۸</sup>، ۲۰۱۸)، چینی (لی، ۲۰۱۵)، سینهالی<sup>۹</sup> و فرانسوی (جایاواردنا<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۴)، مالزیایی<sup>۱۱</sup> (همدان<sup>۱۲</sup> و رادزی<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۴)، ایگویی<sup>۱۴</sup> (مادایک<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۴)، مراکشی<sup>۱۶</sup> (بلفاتمی<sup>۱۷</sup>، ۲۰۱۳) و (اناجی، ۲۰۰۸) اشاره کرد. نتایج این پژوهش‌ها حاکی از آن است که در ضرب‌المثل‌های جنسیتی این زبان‌ها، بازنمایی زنان عمدتاً منفی است و آنان را به مثابه افرادی فرودست و سلطه‌پذیر ترسیم کرده‌اند که وظیفه اصلی‌شان زادوولد است و عهده‌دار نقش‌هایی مانند مادر، همسر و خدمتکار هستند. در این زبان‌ها، زنان به‌عنوان

- 
1. Gurage
  2. Nisrane and Tizazu
  3. Lubukusu and Ekegusii
  4. Nasambu
  5. Sundanese
  6. Mubarak
  7. Akan
  8. Diabah and Amfo
  9. Sinhala
  10. Jayawardena
  11. Malay
  12. Hamdan
  13. Radzi
  14. Igbo
  15. Mmadike
  16. Moroccan
  17. Belfatmi



افرادی ضعیف قلمداد می‌شوند که توانایی انجام انواع امور اجتماعی و شرکت در کارهای گروهی را ندارند.

پژوهش‌های داخلی این حوزه عبارت‌اند از: تالشی (سقراط، ۱۴۰۰)، ترکی (عزتی، دانای طوس و صراحی، ۱۳۹۷)، لُری (حیدری، ابتکاری و محقق، ۱۳۹۶)، گیلکی (شعبانی و صراحی، ۱۳۹۵)، بختیاری (رضایی و ظاهری عبده‌وند، ۱۳۹۴)، فارسی (ایمانی، کسائی و اسلامی، ۱۳۹۴)، قشقایی (میرزایی اصل، ۱۳۹۳)، گُردی سورانی (حیدری، ۱۳۹۲)، سورانی مُکریانی (محمدپور، کریمی و معروف‌پور، ۱۳۹۱) و فارسی (معصومی و رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۱). نتایج این پژوهش‌ها در رابطه با بازنمایی زنان، حاکی از آن است که درصد بازنمایی منفی، بسیار بیشتر از بازنمایی مثبت است و زنان در این جوامع، افرادی سلطه‌پذیر، فرودست، ضعیف، شرور، حيله‌گر و فاقد قدرت جسمانی و ذهنی به شمار می‌روند. همچنین در تمامی مطالعات فوق به جز زبان ترکی، زبان‌ها جنسیت‌زده‌اند و زنان از ارزش چندانی در جامعه برخوردار نیستند و بر اساس رابطه سلسله‌مراتبی فرادستی و فرودستی، در گروه دوم جای گرفته و نادیده انگاشته می‌شوند. در حقیقت، توزیع قدرت در این زبان‌ها به صورت نابرابر بوده و مسائل مربوط به فرهنگ مردسالار انعکاس یافته است. به بیان دیگر، تبعیض و نابرابری جنسیتی زبان‌های مذکور به وضوح مشاهده می‌شود. تنها در زبان ترکی، بازنمایی مثبت و منفی زنان، برابر است و نتایج نشان می‌دهد جایگاه زن در فرهنگ ترکی بسیار والا و ارزشمند بوده و توانایی و قدرت او چه به‌عنوان همسر و چه به‌عنوان مادر، ستودنی است (عزتی، دانای طوس و صراحی، ۱۳۹۷).

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

مقاله حاضر و تمامی داده‌های ذکرشده در آن، از طریق مصاحبه و پایان‌نامه سقراط (۱۴۰۰) با عنوان «بازنمایی زنان و مردان در ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات تالشی جنوبی (گونه سیاه‌مزگی)» استخراج شده است. طرح پژوهش حاضر، ترکیبی

بازنمایی زنان در ضرب المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات تالشی جنوبی (گونه سیاهمزیگی) - ۱۴۳

(کمی کیفی) و روش پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی<sup>۱</sup> است. حجم نمونه تحقیق، در مجموع، ۹۴ ضرب المثل، اصطلاح و تعبیر تالشی جنوبی (گونه سیاهمزیگی) درباره زنان بود. در این پژوهش، گردآوری داده‌ها به صورت میدانی انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختاریافته<sup>۲</sup> بود. مصاحبه‌شوندگان از میان افراد بی سواد یا با تحصیلات ابتدایی انتخاب شدند که چندان متأثر از زبان فارسی نبودند. در این مصاحبه، ابتدا پژوهشگر، موقعیت‌ها و واژگان مربوط به حوزه‌ها و مقوله‌های مختلف را تشریح کرد و سپس از شرکت کنندگان خواست ضرب المثل‌ها و کلیشه‌های مربوط به هر حوزه را که در زبان محلی و گفتار روزمره خود به کار می‌برند، بیان کنند.

در مرحله بعد، معنا، مفهوم و مضمون یکایک ضرب المثل‌ها مشخص شد و با توجه به عوامل فرهنگی و اجتماعی، مورد بررسی قرار گرفت. سپس مثل‌ها بر اساس معانی و مفاهیم مشابه، دسته‌بندی و در مقولات معنایی مختلف گنجانده شد و بر همین اساس، انواع بازنمایی‌های مربوط به زنان از حیث مثبت، خنثی و منفی تعیین گردید. همچنین، پس از بررسی‌های آماری و تعیین درصد انواع بازنمایی‌ها به منظور پی بردن به وجود تفاوت معنادار میان انواع بازنمایی‌ها، از آزمون کولموگروف اسمیرنوف یک‌نمونه‌ای<sup>۳</sup> استفاده شد. در نهایت، با توجه به رویکردهای مطرح در حوزه تحلیل گفتمان، در این پژوهش به تبعیت از لازار (۲۰۰۷)، با به کارگیری رویکردهای تجزیه و تحلیل انتقادی و مطالعات فمینیستی و همچنین با استفاده از زبان‌شناسی اجتماعی، به تبیین یافته‌های تحقیق پرداختیم.

---

## 1. Descriptive-analytical

## 2. Semi-structured interview

۱. در آمار ناپارامتری، یکی از روش‌های سنجش و آزمون مربوط به توزیع، آزمون کولموگروف اسمیرنوف یک‌نمونه‌ای (One-Sample Kolmogorov-Smirnov Test) است. به کمک این آزمون، می‌توان به وسیله یک نمونه تصادفی از جامعه آماری، مشخص کرد که آیا آن جامعه از توزیع مدنظر پیروی می‌کند یا نه. همچنین از طریق این آزمون، امکان بررسی هم‌توزیعی در بین دو جامعه وجود دارد.

#### ۴. تقسیم‌بندی معنایی و توصیف ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات و تعبيرات

##### تالشی جنوبی دربارهٔ زنان

در این بخش، ۹۴ ضرب‌المثل، اصطلاح و تعبير تالشی مربوط به زنان در ۱۹ مقولهٔ معنایی تجزیه و تحلیل شد. ابتدا داده به صورت آوانگاری شده به زبان تالشی جنوبی تحریر شد و سپس برگردان فارسی آن پس از هر دادهٔ آوانگاری شده، همراه با توضیحات تکمیلی مطرح شده است. زن در ضرب‌المثل‌های تالشی جنوبی با توجه به نقش‌های اجتماعی مختلفی که بر عهده دارد، به شیوه‌های گوناگونی اعم از مثبت، خنثی و منفی بازنمایی می‌شود.

##### ۱-۲. تصویر مثبت زن در ضرب‌المثل‌های تالشی جنوبی

##### الف. به تصویر کشیدن زیبایی زنان

1. kila ma na va tə birun meri.

نیامدن بیرون تو گفتن به ماه (دختر)

**برگردان:** (دختر) به ماه می‌گوید تو بیرون نیا.

به دختر خوش‌سیما و زیبا گفته می‌شود.

##### ب. ارزش و منزلت زنان

2. firina xarbəza fəli qəsmat bu.

شدن قسمت شغال خربزه شیرین

**برگردان:** خربزهٔ شیرین، قسمت شغال می‌شود.

کنایه از زن زیبا و با کمالاتی که با مردی بی‌جمال و کمال ازدواج کند. زن خوب،

نصیب آدم بد می‌شود.

##### ج. ارجحیت فرزند دختر بر پسر

3. kasi kə kila nedarə tʃə oɟɑq kura.

کور بودن اجاق او نداشتن دختر که کسی

**برگردان:** کسی که دختر ندارد، اجاقش کور است.

##### د. مطیع بودن زنان

بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات تالشی جنوبی (گونه سیاه‌مزگی) - ۱۴۵

4. ʔasba kəra ʔftan nana piʃ dalakə tʃə garden tʃakə.

شکستن گردن او افتادن پیش مادر خودش کره‌اسب

**برگردان:** کره‌اسب اگر پیش از مادرش حرکت کند، گردنش می‌شکند.

فرزند باید همیشه مطیع مادر خود باشد. به بیان دیگر، کسی که حرمت بزرگ‌ترها را نگه ندارد، به عواقب سختی دچار خواهد شد.

#### ۵. نقش عاطفی و حمایتگری زنان

5. ʔadati kə nana ʃəti na oma faqat margi na bi bufu.

رفتن باید با مرگ فقط آمدن با شیر مادر که عادت

**برگردان:** عادتی که با شیر مادر به وجود آمده است، فقط با مرگ از بین می‌رود.

منظور این است که خصوصیت‌های وراثتی، اصلاح‌پذیر نیستند. همچنین به کسی گفته می‌شود که تربیت در او تأثیر نداشته باشد و عادت و خصلت ذاتی او ترک نشود. در اینجا زن به‌عنوان فردی حمایتگر در نظر گرفته می‌شود.

6. Pis tʃə nana ra ʃirina, ʔəftan daji na vaʃ beri

آمدن گفتن به دایی خودش شیرین برای مادر خود کچل

tʃəma kala matʃ beka

کردن ماچ سر مال من

**برگردان:** کچل برای مادرش شیرین بود، به دایی‌اش می‌گفت بیا سرم را ماچ کن.

به کسی گفته می‌شود که از اعتماد به نفس بسیار زیادی برخوردار است و از همه توقع محبت و خدمت‌گزاری دارد. مفهوم واژه مادر در اینجا نشان‌دهنده این امر است که مادر فرزندش را تحت هر شرایطی دوست دارد و وجود نقص در فرزند، مهر و محبت او را کم نمی‌کند.

7. Vaqti nana manda ni, par jeni na bi kanar baj.

آمدن کنار باید با زن‌بایا نبودن مادر وقتی

**برگردان:** وقتی مادر نیست، باید با زن‌بایا کنار آمد.

#### ۸. توانایی و مهارت زنان در انجام امور

8. ʔaga haf gəla kura kila bədarə jak sa'ata

ساعت یک داشتن دختر کور تا هفت اگر  
ʔavun ʃu da.

دادن شوهر آنها را

**برگردان:** اگر هفت تا دختر کور داشته باشد، یک ساعته آنها را شوهر می دهد.

به زنی گفته می شود که در انجام امور، بسیار زیرک و ماهر است.

9. gefa ba nima dasmāl bə sar vindama.

دیدن سر به دستمال نشدن عروس

**برگردان:** عروس نشده ام، ولی کسی را که روسری سر می کند، دیده ام.

کسی که کاری یا چیزی را شخصاً تجربه نکرده، ولی آن را دیده یا شنیده باشد. اشاره دارد به ضرب المثل «نخوردیم نون گندم، ولی دیدیم دست مردم».

۲-۴. تصویر خنثای زن در ضرب المثل های تالشی جنوبی

الف. ازدواج

10. kila xa ʃu bəkarə va bəra dʒan jen

زن جان برادر گفتن کردن شوهر خواستن دختر

nebari?

نبردن

**برگردان:** دختر دلش می خواهد ازدواج کند، می گوید: برادر جان، نمی خواهی زن

بگیری؟

دختر، پسر را به کاری (ازدواج کردن) دعوت می کند که دوست دارد برای خودش اتفاق بیفتد.

ب. قدرت تأثیرگذاری زنان بر خانواده

11. nana bəvin, kila bəba.

بردن دختر دیدن مادر

**برگردان:** مادر را ببین، دختر را بگیر.

۳-۴. تصویر منفی زن در ضرب المثل های تالشی جنوبی

بازنمایی زنان در ضرب المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات تالش جنوبی (گونه سیاهمزیگی) - ۱۴۷

### الف. ظاهر فیزیکی نامناسب و بدقیافه بودن

12. xəda sorma baklə tʃəmun ka ʔasua.

مالیدن روی چشمان باقالی سرمه خدا

**برگردان:** خدا سرمه را روی چشم‌های باقالی کشیده است.

خداوند، نعمت زیبایی را به زنی که لایق و شایسته آن نیست، بخشیده است. انسان فرومایه‌ای که دارای نعمتی خاص است.

### ب. بی‌ارزش جلوه‌دادن زنان و گره‌زدن ارزش آنان به مادیات

13. xajli dʒəhəz vardajira runəma ham xaj?

خواستن هم رونما آوردن جهاز خیلی

**برگردان:** خیلی جهاز آورده‌ای، رونما هم می‌خواهی؟

این ضرب‌المثل از یک سو در توصیف موقعیتی به کار می‌رود که فردی کار خوبی نکرده است و انتظار تمجید هم دارد و از سوی دیگر، بیانگر آن است که ارزش و منزلت زن، با جهیزیه‌اش سنجیده می‌شود.

14. ʔəm jenaki duʔab xak darə.

داشتن خاک دوشاب زن این

**برگردان:** دوشاب<sup>۱</sup> این زن خاک دارد.

به زنی می‌گویند که از لحاظ اخلاقی مشکل داشته و فاسد باشد. با ضرب‌المثل «جنشش خرده‌شیشه دارد» برابر است.

15. jenak ʔaga xub bəbi xəda ʔi gəla ʔeʔta ra geri.

گرفتن برای خودش یکی خدا بودن خوب اگر زن

**برگردان:** زن اگر خوب بود، خدا یکی برای خودش می‌گرفت.

16. jen nedari, hidʒ qami ham nedari.

---

۱. نوعی شیره که از خرمالوی وحشی به دست می‌آید و معمولاً برای تهیه انواع شیرینی و حلواهای سنتی استفاده می‌شود.

نداشتن هم غم هیچ نداشتن زن

**برگردان:** زن نداری، هیچ غمی هم نداری.

**ج. سلطه پذیر بودن و فرودستی زنان**

17. kila dafarsajuna kəəna fənira? vatəfa man kə fu karda

شوهر که من گفتن بودن کجا پرسیدن دختر

nima.

نکردن

**برگردان:** از دختر پرسیدند: اهل کجایی؟ گفت: من که هنوز شوهر نکرده‌ام.

اصالت و اصل و نسب دختر توسط همسر او و زمانی مشخص می‌شود که ازدواج کرده باشد. اینکه اهل کجا باشم، همسرم تعیین خواهد کرد.

18. Kila na vəm kə gəfa bəmasə.

شنیدن عروس که گفتن به دختر

**برگردان:** به دختر می‌گویم که عروس بشنود.

به در می‌گویم تا دیوار بشنود. ابلاغ غیرمستقیم نظر. این ضرب‌المثل بیانگر سلطه‌پذیر بودن زنان است که این مفهوم، هم با واژه «عروس» و هم با واژه «دختر» القا می‌شود. در این ضرب‌المثل، واژه‌های «دختر» و «عروس» هر دو دارای یک نوع بازنمایی هستند.

19. merdak jenaki xədqja.

خدا زن مرد

**برگردان:** مرد، خدای زن است.

**د. زنان به‌عنوان افرادی اعتماد‌ناشدنی**

20. jenakun nebu pəft davastən.

بستن پشت نشدن زنان

**برگردان:** به زنان نمی‌توان تکیه کرد.

**ه. دشمنی، حسادت و رقابت میان زنان**

بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات تالشی جنوبی (گونه سیاه‌مزیگی) - ۱۴۹

21. ʔavesti ʔavesti qafang ʔɑkrə, xejvari jen xejvari jeni  
جاری جاری کردن قشنگ هوو هوو

Zirang

زرنگ

**برگردان:** هوو هوو را قشنگ می‌کند، جاری جاری را زرننگ. هووها برای جلب توجه همسرشان بسیار به ظاهر خود می‌رسند و جاری‌ها هم به خاطر به دست آوردن مال و ثروت تلاش می‌کنند و همیشه در حال رقابت‌اند. این ضرب‌المثل تأکید بر رقابت دارد که طرفین را به تکاپو و تحوّل وامی‌دارد.

22. də gəla xejvari jeni raxtun ʔi gəla tafti ka nebu  
نشدن در تشت یک رخت جاری تا دو

fusten.

شستن

**برگردان:** رخت‌های دو جاری را نمی‌توان در یک تشت شست.

**و. استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات**

23. ʔasbi dʒɑ tang mabu dʒəftak neʒanə.

نزدن جفتک نبودن تنگ جا اسب

**برگردان:** تا جای اسب تنگ نباشد، جفتک نمی‌اندازد.

زنی که در زندگی زناشویی خود مشکل نداشته باشد، رفتارهای بد و غیرمعارف انجام نمی‌دهد.

**ز. اهمیت ازدواج برای زنان**

24. hama kasi ra bəz izə ʔama ra kura qu qu.

جغد برای ما بلند شدن عقاب برای کس همه

**برگردان:** برای همه باز بلند می‌شود، برای ما جغد.

از زبان دختری گفته می‌شود که بیشتر خواستگارش افراد ناشایست و بدقیافه باشند.

25. tərʃa fətər dari sar nemunu.

نماندن روی درخت ازگیل ترش



**برگردان:** از گیل ترش روی درخت نمی ماند.

به کنایه برای امیدواری و دلگرمی دادن به دختری می گویند که سنش بالا رفته، ولی هنوز مجرد است.

26. zua ka xabari nija kila əftan ka ka arusi gətafa.

گرفتن عروسی در خانه خودش دختر نبودن خبری خانه پسر

**برگردان:** در خانه پسر خبری نیست، دختر در خانه خودش عروسی گرفته است.

دختری که در رؤیای خود، خیال ازدواج را در سر می پروراند. به عبارت دیگر، تنها دغدغه ذهنی دختران، ازدواج است.

**ح. شارت، حيله گری، تکبر و غرور زنان**

27. tʃə əsbədʒi numa Maniʒa xənam.

خانم منیره اسم شپش او

**برگردان:** اسم شپش او منیره خانم است.

به کسی گفته می شود که بسیار خسیس باشد.

28. maga ʔama par jeni xərdanimina?

فرزند بودن زن بابا ما مگر

**برگردان:** مگر ما فرزندان زن بابا هستیم؟

واژه «زن بابا» نشان دهنده فردی حيله گر و شرور است.

29. betarin jenak ʔam ʔi gəla danda az ajtun dərə.

داشتن شیطان از دنده یک هم زن بهترین

**برگردان:** بهترین زن هم یک دنده از شیطان دارد.

**ط. بی کفایتی و بی تجربگی زنان در انجام امور**

30. gəfa raqsa kari nezuni vaj fujara pa səra pəfa!

کج بودن حیاط پدرشوهر گفتن بلد نبودن کردن رقص عروس

**برگردان:** عروس، رقصیدن بلد نبود، می گفت حیاط خانه پدرشوهر کج است.

کنایه از کسی که برای پوشاندن ضعف و ناتوانی خود، بهانه جویی می کند.

بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات تالشی جنوبی (گونه سیاهمزیگی) - ۱۵۱

31. Gila kila va ka nefaj kuku satən fi malla kuku  
کوکو محلّه رفتن ساختن کوکو نتوانستن خانه گفتن دختر گیلک  
sazi.

ساختن

**برگردان:** دختر گیلک نمی‌توانست در خانه کوکو درست کند، به محلّه می‌رفت و کوکو درست می‌کرد.

کسی که کارهای دیگران را به‌خوبی انجام می‌دهد؛ اما از انجام امور خودش عاجز است.

32. Fətmaye Zahra şələngara jenakun ra də rəkət nəməz  
نماز رکعت دو برای زنان شلخته زهرا فاطمه  
xunda.

خوانده

**برگردان:** حضرت فاطمه زهرا برای زن‌های شلخته دو رکعت نماز خوانده است. زنانی که از خانه‌داری و کدبانویی چیزی نمی‌دانند، نزد همسران خود محبوب‌ترند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت خدا یار تنبل‌ها و شلخته‌هاست.

33. hamsəjajen jəri bəkaran ta mən fu dəri bəkaram.

کردن داری شوهر من که کردن یاری همسایه‌ها

**برگردان:** همسایه‌ها یاری کنید تا من شوهرداری کنم.

به زنی گفته می‌شود که در انجام امور منزل و همسراری مهارت چندانی ندارد و نمی‌تواند این کارها را به‌درستی انجام دهد و نیازمند کمک اطرافیان است.

**ی. درگیر بودن در مسائل پیش‌پاافتاده از قبیل پرحرفی، دخالت در امور دیگران، رسیدگی بیش از حد به ظاهر و غیرمنطقی بودن**

34. hani monu kə jenaken tas tikila karda funa.

کردن گم تاس زنان که انگار

**برگردان:** انگار که زن‌ها تاس گم کرده‌اند.

به موقعیتی بسیار شلوغ و پرسروصدا گفته می‌شود.

35. ma bəkəfan, vali ma xufgila karan.

کردن خوشگل من ولی کشتن من  
**برگردان:** مرا بکشید، ولی خوشگلم کنید.

از زبان زنی گفته می‌شود که برای اینکه زیباتر به نظر برسد، حاضر است هرگونه سختی را تحمل کند.

36. pira jenakun fi gur-gur maka.

نکردن غرغر مثل پیرزن ها

**برگردان:** مثل پیرزن‌ها غرغر نکن.

37. Jenakun fi xa hama tfizi ka sar dar buarə.

آوردن در سر از چیز همه خواستن مثل زنان

**برگردان:** مثل زن‌ها می‌خواهد از همه چیز سر در بیاورد.

38. jenaka sara.

سمت زن

**برگردان:** خاله‌زنک بودن

کنایه از مردهایی که حرکات سبک و علاقه زیادی به هم‌نشینی با زنان و حرف‌های زنانه دارند.

**ک. ضعیف بودن و شکنندگی زنان**

39. xənəm xari harif nebu danəfə pəluni.

پالان لگد کردن نبودن حریف خر خانم

**برگردان:** خانم، حریف خر نمی‌شود، پالان را لگد می‌زند.

ناراحتی و عصبانیت خود را سر کسی یا چیزی که ضعیف است خالی کردن.

40. kila xərdanun / jenakun fi bərame maka.

نکردن گریه مثل زنان بچه‌ها دختر

**برگردان:** مثل دختر بچه‌ها/ زن‌ها گریه نکن.

**ه. تحلیل**

بازنمایی زنان در ضرب المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات تالشی جنوبی (گونه سیاهمزیگی) - ۱۵۳

نتایج حاصل از توصیف داده‌ها و انواع بازنمایی (مثبت، خنثی و منفی) زنان در ضرب المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات تالشی جنوبی نشان می‌دهد زنان مجموعاً به سه نوع شیوه مثبت، خنثی و منفی بازنمایی و در نوزده مقوله معنایی گنجانده می‌شوند. شش مقوله معنایی تصویری مثبت، دو مقوله معنایی تصویری خنثی و یازده مقوله معنایی تصویری منفی از زنان به دست می‌دهد. موارد الف تا ج نشان‌دهنده مقوله‌های معنایی هستند. اعداد داخل پرانتز مقابل مقوله‌های معنایی، نشان‌دهنده فراوانی ضرب المثل‌ها در هر مقوله است.

#### جدول ۵-۱- فراوانی شیوه بازنمایی زنان در ضرب المثل‌های تالشی جنوبی

درصد شیوه بازنمایی	فراوانی شیوه بازنمایی	شیوه بازنمایی
۳۷/۲۳	۳۵	مثبت
۴/۲۶	۴	خنثی
۵۸/۵۱	۵۵	منفی

#### الف. بازنمایی مثبت زنان در ضرب المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات

به تصویر کشیدن زیبایی زنان (۵)، ارزش و منزلت زنان (۷)، ارجحیت فرزند دختر بر پسر (۲)، مطیع بودن زنان (۲)، نقش عاطفی و حمایتگری زنان (۱۷)، توانایی و مهارت زنان در انجام امور (۲). در مجموع، ۳۵ مورد نشان‌دهنده تصویری مثبت از زنان است که ۳۷/۲۳ درصد از ضرب المثل‌ها را به خود اختصاص می‌دهد. از میان این ۳۵ ضرب المثل، اصطلاح و تعبیر، بیشترین موارد که تصویری مثبت از زنان را ارائه می‌دهد، به مقوله معنایی «نقش عاطفی و حمایتگری زنان» تعلق دارد.

#### ب. بازنمایی خنثای زنان در ضرب المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات

ازدواج (۲) و قدرت تأثیرگذاری زن بر خانواده (۲). جمعاً چهار ضرب المثل، اصطلاح و تعبیر، تصویری خنثی از زنان نشان می‌دهد که ۴/۲۶ درصد از داده‌ها را به خود اختصاص می‌دهد.

#### ج. بازنمایی منفی زنان در ضرب المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات

ظاهر فیزیکی نامناسب و بدقیافه بودن (۴)، بی‌ارزش جلوه‌دادن زنان و گره‌زدن ارزش آنان به مادیات (۸)، سلطه‌پذیر بودن و فرودستی زنان (۵)، زنان به‌عنوان افرادی اعتمادنشده (۱)، دشمنی، حسادت و رقابت میان زنان (۵)، استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات (۱)، اهمیت ازدواج برای زنان (۳)، شرارت، حيله‌گری، تکبر و غرور زنان (۱۵)، بی‌کفایتی و بی‌تجربگی زنان در انجام امور (۴)، درگیر بودن در مسائل پیش‌پافتاده از قبیل پرحرفی، دخالت در امور دیگران، رسیدگی بیش از حد به ظاهر و غیرمنطقی بودن (۵)، ضعیف بودن و شکنندگی زنان (۴). ۵۵ مورد که ۵۸/۵۱ درصد از داده‌ها را تشکیل می‌دهد، به بازنمایی منفی زنان می‌پردازد. از میان ۵۵ ضرب‌المثل، اصطلاح و تعبیر در حوزه بازنمایی منفی زنان، بیشترین موارد به مقوله معنایی «شرارت، حيله‌گری، تکبر و غرور زنان» اختصاص دارد.

اکنون پس از توصیف و تحلیل داده‌ها می‌توان به پرسش‌های پژوهش پاسخ داد.  
- زنان در ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات تالشی جنوبی (گونه سیاهمزیگی) چگونه بازنمایی می‌شوند؟

درصد شیوه بازنمایی مثبت و منفی زنان به ترتیب ۳۷/۲۳ و ۵۸/۵۱ است. نتایج به‌دست آمده از بازنمایی زنان در پژوهش حاضر، با تحقیقات مرتبط در زبان‌های دیگر از قبیل مراکشی (اناجی، ۲۰۰۸)، ایگبویی (مادایک، ۲۰۱۴)، مالزیایی (همدان و رادزی، ۲۰۱۴)، چینی (لی، ۲۰۱۵)، سوندایی (موبارک، ۲۰۱۷)، لوبوکوسو و اکگوسی (ناسامبو، ۲۰۱۷)، آکان (دیاباح و آمفو، ۲۰۱۸)، مراکشی (بلفاتمی، ۲۰۱۳)، گوراژی (نسران و تیزازو، ۲۰۱۹) همسو است. در این مطالعات، زنان عمدتاً افرادی سلطه‌پذیر، ضعیف، شرور، طماع و به‌عنوان ابزار جنسی ترسیم شده‌اند.

- آیا میان بازنمایی‌های (مثبت، خنثی و منفی) ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات مربوط به زنان، تفاوت معناداری وجود دارد؟

باتوجه به داده‌های جدول ۵-۲ و اینکه توزیع داده‌ها نرمال نبود و فرضیه، تک‌متغیره بود، از آزمون ناپارامتریک کولموگروف اسمیرنوف یک‌نمونه‌ای استفاده شد. پس از

بازنمایی زنان در ضرب المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات تالشی جنوبی (گونه سیاهمزیگی) - ۱۵۵

بررسی آماری و باتوجه به سطح معنی‌داری آزمون کولموگروف اسمیرنف یک نمونه‌ای که زیر یک صدم است، با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت بین نمره به دست آمده و نمره مفروض، تفاوت معناداری وجود دارد. این نتیجه، بیانگر آن است که در انواع بازنمایی ضرب المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات مربوط به زنان، تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۵-۲- آزمون کولموگروف اسمیرنف یک نمونه‌ای

بازنمایی	
94	تعداد
1	کمترین
3	بیشترین
.585	تفاوت مطلق <sup>۱</sup>
.372	تفاوت مثبت <sup>۲</sup>
-.585	تفاوت منفی <sup>۳</sup>
5.673	Kolmogorov-Smirnov Z
.000	سطح معنی‌داری <sup>۴</sup>

- چگونه می‌توان فراوانی انواع بازنمایی‌های مربوط به زنان را در ضرب المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات تالشی جنوبی (گونه سیاهمزیگی) تبیین کرد؟

ضرب المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات، از جمله مؤلفه‌های مؤثر در شناخت زیرساخت‌های فرهنگی هر قومی به شمار می‌روند. با نگاهی به دیگر مطالعات انجام شده درباره بازنمایی زنان در ضرب المثل‌های زبان‌های دیگر، از جمله گیلکی، گونه اشکورات (شعبانی و صراحی، ۱۳۹۵) و گیلکی (عزتی، ۱۳۹۵) درمی‌یابیم تصویری که از زنان در ضرب المثل‌ها به دست آمده، غالباً منفی بوده و درصد بازنمایی مثبت زنان،

- 
1. absolute differences
  2. positive differences
  3. negative differences
  4. Asymp. Sig. (2-tailed)

بسیار کمتر از بازنمایی منفی است. زنان در این پژوهش‌ها افرادی سلطه‌پذیر، ضعیف، شرور، طماع و به‌عنوان ابزار جنسی ترسیم شده‌اند. در پژوهش حاضر نیز درصد شیوه بازنمایی مثبت زنان ۳۷/۲۳ و بازنمایی منفی ۵۸/۵۱ است. همچنین میان انواع بازنمایی‌های زنان با توجه به سطح معناداری آزمون کولموگروف اسمیرنف، تفاوت معناداری وجود دارد و آنان در این پژوهش، افرادی سلطه‌پذیر، ضعیف، شرور، طماع و حيله‌گر ترسیم شده‌اند. نتایج این مطالعات با نتایج پژوهش حاضر در حوزه بازنمایی زنان همسو است. با عنایت به این امر می‌توان به ویژگی جهانی بودن فرهنگ‌ها اشاره کرد. این ویژگی نشان می‌دهد بیشتر زبان‌های جهان در برخی حوزه‌ها دارای اشتراک هستند. در اینجا مشاهده می‌کنیم که بیشتر زبان‌ها از جمله زبان بررسی شده در این پژوهش، تصویری کم‌و بیش یکسان از زنان در ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیّرات مربوط به فرهنگ و زبان خود ارائه می‌دهند.

بسیاری از زبان‌شناسان و انسان‌شناسان، از جمله اسپندر<sup>۱</sup> (۱۹۸۰) بر این باورند که زنان و مردان، زبان را به گونه‌ای متفاوت با یکدیگر به کار می‌برند. به عقیده وی، بیشتر زبان‌ها جنسیت زده هستند و این امر در واژگان و اصطلاحات، به خوبی نمایان است. به وضوح می‌توان دید هنگامی که واژه‌ای به زنان نسبت داده می‌شود، چه بار معنایی منفی را القا می‌کند و همان واژه وقتی به مردان نسبت داده می‌شود، دارای بار معنایی مثبت است؛ بنابراین، به این نتیجه می‌رسیم که آنچه نیاز به تغییر دارد، نقش‌های معنایی است، نه واژگان (اسپندر، ۱۹۸۰: ۲۹).

در پژوهش حاضر به تبعیت از لازار (۲۰۰۷)، با به‌کارگیری رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی فمینیستی سعی داریم فرضیه‌های پذیرفته‌شده در رابطه با جنسیت را در جامعه مورد مطالعه (تالشی گونه سیاه‌مزی) آشکار کرده و تجزیه و تحلیل کنیم. از این طریق می‌توانیم به ایدئولوژی‌های جنسیتی حاکم بر جامعه دست یابیم و با استفاده از آن‌ها به روابط پیچیده میان زبان، قدرت، ایدئولوژی، جامعه و جنسیت پی ببریم. از طریق

بازنمایی زنان در ضرب المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات تالشی جنوبی (گونه سیاهمزیگی) - ۱۵۷

این نوع تحلیل گفتمان می‌توان از سازوکارهای قدرت که منجر به حفظ و استمرار روابط و ساختارهای ناعادلانه و نیز نزاع و درگیری می‌شوند، پرده برداشت.

یکی از اصول تحلیل گفتمان انتقادی فمینیستی لازار (۲۰۰۷) عمل‌گرایی تحلیلی نام دارد. در این اصل، گفتمان‌های جنسیت‌زده‌ای که زنان را باعث دردسر دانسته و آنان را محروم و طرد می‌کند، نقد می‌شود. نمونه‌هایی از این نوع گفتمان، در داده‌های این پژوهش یافت شد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات زیر، اشاره دارند که زنان مایهٔ دردسر هستند و به همین دلیل، محروم و طرد می‌شوند.

41. jenak ?aga xub bæbi xəda ?i gəla ?e?ta ra geri.

گرفتن برای خودش یکی خدا بودن خوب اگر زن

**برگردان:** زن اگر خوب بود، خدا یکی برای خودش می‌گرفت.

42. jen nedari, hidž qami ham nedari.

نداشتن هم غم هیچ نداشتن زن

**برگردان:** زن نداری، هیچ غمی هم نداری.

43. jenakun nebu pəft davastən.

بستن پشت نشدن زنان

**برگردان:** به زنان نمی‌توان تکیه کرد.

44. jenak balaja vali illahi hitf kaji bi bala mabu.

نبودن بی‌بلا خانه هیچ الهی ولی بلا بودن زن

**برگردان:** زن بلاست، ولی الهی که هیچ خانه‌ای بی‌بلا نباشد.

شایان ذکر است جنسیت به‌عنوان یک طبقهٔ اجتماعی، با دیگر طبقات هویت اجتماعی، مانند قومیت، سن، توانایی یا ناتوانی، شرایط و طبقهٔ اجتماعی و موقعیت جغرافیایی، ارتباط تنگاتنگی دارد و همهٔ این عوامل در کنار یکدیگر، جایگاه اجتماعی و روابط قدرتی را تعیین می‌کنند.



ایدئولوژی جنسیت به دلیل اینکه کارکرد فراوانی در جامعه پیدا کرده، دارای برتری است و نوعی سلطه‌گری محسوب می‌شود. این سلطه‌گری که در واقعیت نیز وجود دارد، تا حدّ زیادی برای اکثریت پذیرفتنی است و در نزد عوام، به مثابه سلطه‌گری جلوه نمی‌کند و امری طبیعی به نظر می‌رسد.

بنا به گفته لازار (۲۰۰۷: ۱۴۱)، نشانه‌های وجود تبعیض جنسیتی، از جمله انجام‌نشدن برخی رسوم و اعمال اجتماعی توسط زنان، و تحقیر کردن آنان که در اصل، «پیچیدگی روابط قدرت و جنسیت» است، در جامعه مورد پژوهش، به وضوح به چشم می‌خورد. می‌توان گفت تمام مقوله‌های معنایی مربوط به زنان که دارای بازنمایی منفی هستند، به‌طور آشکار، نشان‌دهنده تبعیض جنسیتی‌اند. چنین نمودهای آشکاری از قدرت در جامعه مورد پژوهش به صورت یک حقیقت باقی مانده است. زنان، این مکانیسم‌های قدرت را در انواع بازنمایی‌های منفی به شیوه‌های مختلفی تجربه می‌کنند. به منظور روشن تر شدن موضوع، به ضرب‌المثل شماره ۲۹ که در زیر تکرار شده است، توجه کنید:

45. betarin jenak ʔam ʔi gəla danda az ajtun darə.

داشتن شیطان از دنده یک هم زن بهترین

**برگردان:** بهترین زن هم یک دنده از شیطان دارد.

در مثال فوق، نگرش جامعه تالشی زبان به زن به‌عنوان فردی شرور و حيله‌گر است که حتی اگر بهترین خصوصیات را نیز داشته باشد، باز هم ذات و سرشت بد و شیطان‌صفتی در وی وجود دارد.

یکی دیگر از راهکارهای ارائه‌شده توسط فمینیسم و تحلیل گفتمان انتقادی که زمینه ایجاد تغییر را در روابط دو جنس و ایدئولوژی‌های حاکم بر جامعه در رابطه با جنسیت ایجاد می‌کند، اصل «گفتمان در ساخت یا ساختار شکنی جنسیت» است. مثال‌های زیر به اصل «ارتباط جنسیت» لازار (۲۰۰۰) اشاره دارد که به صورت آشکار در داده‌ها وجود دارد. این اصل، زیربنای اصلی تحلیل گفتمان انتقادی است. یکی از روابطی که این اصل بر آن تمرکز دارد، شیوه‌های مردانه یا زنانه بودن و رفتار کردن در موقعیت‌های

بازنمایی زنان در ضرب المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات تالشی جنوبی (گونه سیاهمزیگی) - ۱۵۹

اجتماعی خاص است. این نگرش صرفاً مربوط به زنان نیست و عملکرد مردان را نیز در مسائل مربوط به جنسیت بررسی می‌کند. همان‌گونه که می‌بینیم، زنان در مثال زیر، افرادی هستند که به‌واسطهٔ زنانگی خود، رؤیای ازدواج در سر می‌پرورانند و خود را جنسی فرودست می‌دانند که برای تحقق آرزوهای خود، در انتظار ازدواج به سر می‌برند؛ درحالی که مردان با توجه به رفتار مردانه و قدرت طلب‌بودنشان دیدگاهی ختنی به ازدواج دارند یا در این امر، خود را بالاتر و برتر از زنان می‌دانند.

46. zua ka xabari nija kila əftan ka ka arusi gətəfa.

گرفتن عروسی در خانه خودش دختر نبودن خبری خانه پسر

**برگردان:** در خانهٔ پسر خبری نیست، دختر در خانهٔ خودش عروسی گرفته است.

در مثال‌های ۴۷ تا ۵۰ رفتارهایی مانند «غرغر کردن»، «سر درآوردن از چیزی»، «خاله‌زنک بودن» و «گریه کردن»، مشخصه‌هایی هستند که همگی به زنان نسبت داده شده‌اند. این ویژگی‌ها در فرهنگ جامعهٔ تالشی‌زبان، رفتارهای زنانه‌ای محسوب می‌شوند که فقط مختص جنس زن است و اگر مردان در موقعیت‌های خاصی چنین رفتارهایی از خود نشان دهند، کنشی را انجام داده‌اند که خاص جنس مرد نیست؛ بنابراین، علاوه بر اینکه نهی می‌شوند، مورد نکوهش نیز قرار می‌گیرند. به بیان دیگر، افراد از طریق رفتارهای زبانی و غیرزبانی خود، هویت‌های «زن» و «مرد» را ایجاد می‌کنند، گرچه این هویت‌ها طبیعی و فطری هستند.

47. pira jenakun fi gur-gur maka.

نکردن غرغر مثل پیرزن‌ها

**برگردان:** مثل پیرزن‌ها غرغر نکن.

48. Jenakun fi xa hama tfizi ka sar dar buarə.

آوردن در سر از چیز همه خواستن مثل زنان

**برگردان:** مثل زن‌ها می‌خواهد از همه چیز سر در بیاورد.

49. jenaka sara.

سمت زن

## برگردان: خاله زنک بودن

کنایه از مردهایی که حرکات سبک و علاقه زیادی به همنشینی با زنان و حرف‌های زنانه دارند.

50. kila xərdanun / jənakun fi bərame maka.

نکردن گریه مثل زنان بچه‌ها دختر

برگردان: مثل دختر بچه‌ها/ زن‌ها گریه نکن.

## ۶. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات تالشی مربوط به زنان از لحاظ معنایی، در نوزده مقوله معنایی گنجانده شدند. این مقوله‌ها سه نوع بازنمایی مثبت، خنثی و منفی از زنان به دست دادند. توزیع بازنمایی‌ها در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی فمینیستی لازار ۲۰۰۷ تحلیل شد. استفاده از رویکردهای این چارچوب، به درک عمیق‌تری از کارکردهای پیچیده قدرت، ایدئولوژی و جنسیت در گفتمان و ادبیات شفاهی تالشی منطقه سیاهمزیگی انجامید. با توجه به نتایج به دست آمده، بیشترین درصد شیوه بازنمایی زنان با ۵۸/۵۱ درصد منفی بوده است. بیشترین ضرب‌المثل‌های منفی به ترتیب به مقوله‌های معنایی شرارت، حيله‌گری، تکبر و غرور زنان و بی‌ارزش جلوه دادن زنان و گره زدن ارزش آنان به مادیات اختصاص دارد. ضرب‌المثل‌های موجود در این مقوله‌های معنایی، زنان را افرادی طماع، حيله‌گر، ضعیف و فاقد قدرت جسمانی و ذهنی مطلوب نشان داده‌اند. چنین دیدگاهی تقریباً در تمامی جوامع، فرهنگ‌ها و زبان‌ها حاکم است. در فرهنگ ایران نیز زنان به عنوان افرادی شرور و دارای شخصیتی فرودست، فاقد قدرت و سلطه‌پذیر و فرمان‌بردار به شمار می‌روند. با توجه به مطالب ذکر شده، بر اساس گفته‌های لازار، مفهوم جنسیت از دیدگاه فمینیستی، به مثابه ساختاری ایدئولوژیک درک می‌شود که مردم را بر اساس رابطه فرمانروایی و فرمان‌برداری، به ترتیب به دو طبقه مرد و زن تقسیم می‌کند. ساختار جنسیت به دلیل تفاوت‌های بیولوژیکی دو جنس، یک دوگانگی اجتماعی را به زن و مرد تحمیل می‌کند

بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات تالشی جنوبی (گونه سیاهمزیگی) - ۱۶۱

که ماهیت آن‌ها می‌تواند بر اساس زمان و مکان متغیر باشد. ایدئولوژی جنسیت، تابع عوامل گوناگونی از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است و این امر در جامعه تالشی زبان منطقه سیاهمزیگی نیز وجود دارد. نتایج، حاکی از نبود برابری میان زنان و مردان و وجود مردسالاری در جامعه مورد پژوهش است. منظور از برابری، «همانند مردان بودن» است که معیارهای آن را نیز مردان تعیین کرده‌اند؛ بنابراین، زنان به جای تغییر اساسی در نظام جنسیتی، باید خود را با ساختارهای مردسالارانه تطبیق دهند.

## منابع

- ارانسکی، م. (۱۳۷۸)، **زبان‌های ایرانی**، ترجمه علی‌اشرف صادقی، تهران: سخن.
- اشمیت، ر. (۱۳۸۳)، **راهنمای زبان‌های ایرانی**، ج ۲، زیر نظر حسن رضایی باغبیدی، تهران: ققنوس.
- ایمانی، آوا، غلامرضا کسائی و عباس اسلامی راسخ (۱۳۹۴)، **زن در ضرب‌المثل‌های فارسی: رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی**، پژوهش‌نامه زنان، شماره ۳، صص ۲۵-۴۴.
- حیدری، آرمان، محمدحسین ابتکاری و عبدالحمید محقق (۱۳۹۶)، **واکاوی مفهوم زن در ضرب‌المثل‌های لری با تأکید بر بُعد نابرابری جنسیتی**، فرهنگ و ادبیات عامه، شماره ۱۹، صص ۱۹۵-۲۲۱.
- حیدری، سعیدیه (۱۳۹۲)، **بورسی جایگاه زن در فرهنگ عامیانه کردی (با تکیه بر ضرب‌المثل‌ها و مثل‌نماهای کردی)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران غرب.
- راسخ‌مهند، محمد، مجتبی علیزاده صحرایی، راحله ایزدی‌فر و رقیه سلیمان (۱۳۹۷)، **خشونت گفتاری در مطبوعات (مطالعه موردی در زبان فارسی)**، فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، شماره ۱۸، صص ۱۳۵-۱۶۴.
- رضایی، حمید و ابراهیم ظاهری عبده‌وند (۱۳۹۴)، **جایگاه زن و خانواده در ضرب‌المثل‌های بختیاری**، فرهنگ و ادبیات عامه، شماره ۶، صص ۲۱-۴۲.
- رضایتی کیشه خاله، محرم (۱۳۸۶) **زبان تالشی (توصیف گویش مرکزی)**، رشت: فرهنگ ایلیا.

- رضایی، محمد و نرجس مقیمی (۱۳۹۲)، بررسی استعاره‌های مفهومی در ضرب‌المثل‌های فارسی، فصلنامه مطالعات زبانی بلاغی، شماره ۸، صص ۹۱-۱۱۶.
- شعبانی، منصور و محمدامین صراحی (۱۳۹۵)، بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌های گیلکی (گونه اشکورات)، فرهنگ و ادبیات عامه، شماره ۴، صص ۵۷-۷۸.
- شعبانی، نبی‌الله (۱۳۸۸)، امثال و حکم تالشی، تهران: جامعه نگر.
- عبدلی، علی (۱۳۹۳)، قصه‌ها و مثل‌های تالشی، رشت: بلور.
- عزتی، زهره، مریم دانای طوس و محمدامین صراحی (۱۳۹۷)، تحلیل گفتمان جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های ترکی، فرهنگ و ادبیات عامه، شماره ۱۹، صص ۷۱-۹۵.
- محمدپور، احمد، جلیل کریمی و نشمیل معروف‌پور (۱۳۹۱)، مطالعه تفسیری بازنمایی زن در ضرب‌المثل‌های کردی (مورد مطالعه: گویش سورانی - مکرانی)، زن در فرهنگ و هنر، شماره ۴، صص ۶۵-۸۳.
- معصومی، محسن و ویدا رحیمی‌نژاد (۱۳۹۱)، زن و ضرب‌المثل‌های جنسیتی، فصلنامه زبان و ادب فارسی، شماره ۱۱، صص ۱۳۵-۱۵۸.
- میرزایی‌اصل، ارسلان (۱۳۹۳)، بازنمایی زن در ادبیات شفاهی قشقای از منظر تحلیل گفتمان انتقادی بر اساس الگوی فرکلاف، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت.
- میهن‌دوست، محسن (۱۳۸۰)، پژوهش عمومی فرهنگ عامه، تهران: توس.
- نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۹۵)، بیان مالکیت در تالشی، زبان فارسی و گویش‌های ایرانی، شماره ۲، صص ۱۱۷-۱۳۶.

-Belfatmi, M. (2013), **The Representation of Women in Moroccan Proverbs**, Journal of Humanities and Social Science, Vol. 17(1), pp 15-21.

-Diabah, G. & N. A. A. Amfo (2018), **To Dance or not to Dance: Masculinities in Akan Proverbs and Their Implications for Contemporary Societies**, Ghana Journal of Linguistics, No. 7 (2), pp. 179-198.

-Ennaji, M. (2008), **Representations of Women in Moroccan Arabic and Berber Proverbs**, International Journal of the Sociology of Language, No. 190, p. 168.

-Jayawardena, H.S.M.M. (2014), **Representation of Women in Sinhala and French Proverbs**, Social Sciences and Humanities, No. 2(3), pp. 107-116.

بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌ها، اصطلاحات و تعبیرات تالشی جنوبی (گونه سیاه‌مزگی) - ۱۶۳

- Kerschen, L. (2012), **American Proverb about Women**, USA, Book Locker, First Edition.
- Lazar, M.M. (2007), **Feminist Critical Discourse Analysis: Articulating a Feminist Discourse Praxis**, Critical Discourse Studies. 4(2), pp. 141-164.
- ----- (2000), **Gender, discourse and semiotics: the politics of parenthood representations**. *Discourse and Society*, Vol. 11(3), pp. 373-400.
- Lee, J. (2015), **Chinese Proverbs: How Are Women and Men Represented?**, *Multidisciplinary Journal of Gender Studies*, No. 4 (1), pp. 559-585.
- Mmadike, B. (2014), **The Igbo Perception of Womanhood: Evidence from Sexist Proverbs**, *Research on Humanities and Social Sciences*, Vol. 4(18), pp. 98-104.
- Mubarok, Y. (2017), **Representation of Women in the Sundanese Proverbs**, *International E. Journal of Advances in Social Sciences*, Vol 3 (7), pp. 205-213.
- Nasambu Barasha, M. (2017), **Proverbs in Lubukusu and Ekegusii in Kenya: Empowering or Disempowering for Women and Girls?**, *The Journal of Pan African Studies*, Vol. 10 (7), pp. 155-173.
- Nisrane, T. G. & Tizazu, S. B. (2019), **Discourse Analysis on the Representation of Women in Western Gurage Proverbs**, *International Journal of Environmental and Science Education*, No. 6(14), pp. 335-343.
- Spender, D. (1980), **Man Made Language**, London: Loutledge.

